

بہ نام خالق بی ہمتا

کلیه امتیازهای این پایان‌نامه به دانشگاه بوعلی سینا تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه بوعلی سینا یا استاد راهنمای پایان‌نامه و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت. درج آدرس‌های ذیل در کلیه مقالات خارجی و داخلی مستخرج از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها الزامی می‌باشد.

....., Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

مقالات خارجی

.....، گروه .....، دانشکده .....، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

مقالات داخلی



دانشگاه گیلان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در آثار داستانی  
غلامحسین ساعدی

استاد راهنما:

دکتر لیلا هاشمیان

استاد مشاور:

دکتر محمد طاهری

نگارش:

فرزانه محمودی

۱۰ بهمن ۱۳۹۰

تقدیم به همه ی انسان هایی که روزی معلم من بودند

و به سهیل عزیزم برای بودنش

## سپاسگزاری

با سپاس از تمامی کسانی که در این راه مرا یاری کردند.  
تشکر و قدردانی از اساتید گرامی سرکار خانم دکتر لیلا هاشمیان که راهنمایی این رساله را به عهده داشتند و جناب آقای دکتر محمد طاهری که مشاورم بودند.  
یاد و سپاس از خانواده‌ام که همواره یاور و پشتیبانم بودند و مرا از محبت و حمایت بی‌دریغشان بهره‌مند نمودند و سهیل و فریبای عزیز که در لحظه لحظه‌ی این نوشتار همراه و یاریگرم بودند.



دانشگاه بوعلی سینا

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی

عنوان:

بررسی عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در آثار داستانی غلامحسین ساعدی

نام نویسنده: فرزانه محمودی

نام استاد/اساتید راهنما: دکتر لیلا هاشمیان

نام استاد/اساتید مشاور: دکتر محمد طاهری

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی

رشته تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی

گرایش تحصیلی:

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

تاریخ تصویب پروپوزال: ۱۳۸۹/۱۰/۵

تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

تعداد صفحات: ۱۴۵

چکیده:

این پایان‌نامه به بررسی عنصر شخصیت و چگونگی شخصیت‌پردازی در داستان‌های غلامحسین ساعدی می‌پردازد. و به این سؤال پاسخ می‌دهد که توفیق فراوان او در شخصیت‌پردازی از چه راه‌هایی به‌دست آمده است. شیوه‌های معمول در شخصیت‌پردازی عبارتند از: ارائه‌ی شخصیت‌ها با استفاده از شرح و توضیح مستقیم. ارائه‌ی شخصیت‌ها از طریق عمل آن‌ها. ارائه‌ی درون شخصیت‌ها بی‌تعبیر و تفسیر. ساعدی در داستان‌های خود، گاه با توصیف خصوصیات ظاهری، گاه با توصیف موقعیت‌ها و اوضاع مکانی و گاه با توصیف درون شخصیت‌ها به پرداخت آن‌ها اقدام می‌کند. اما او بیشتر، شخصیت‌ها را با عمل آن‌ها ارائه می‌کند، که این معرفی، گاه از طریق رفتار و گاه از طریق گفتار شخصیت‌ها صورت می‌گیرد و تنها در بعضی داستان‌های خود مثل «آرامش در حضور دیگران» به شیوه‌ی سوم شخص یعنی ارائه‌ی درون شخصیت‌ها بی‌تعبیر و تفسیر متمایل می‌شود. در داستان‌های ساعدی هم شخصیت‌های پویا وجود دارد، هم شخصیت‌های ایستا. و این شخصیت‌ها، اغلب شخصیت‌های ساده‌ای هستند که پیچیده به نظر می‌رسند. ساعدی کم و بیش به خلق شخصیت‌های نوعی می‌پردازد و اغلب شخصیت‌های او سرنوشت یکسان و مشابهی دارند. و رئالیستی بودن این شخصیت‌ها، معمولاً به این دلایل است: در داستان‌های او مظهر کمال وجود ندارد. ساعدی آراء و عقاید خود را در افکار و عواطف شخصیت‌های داستان می‌گنجاند. به خوبی در قالب شخصیت‌ها فرو می‌رود. به شرح و توصیف دقیق جزئیات می‌پردازد. سبک نوشتار او عینی است. از مردم اطراف و تجربیات شخصی خود الگو می‌گیرد. از لغات و عبارات محسوس استفاده می‌کند. از مواردی که شناخت و درک شخصیت‌های ساعدی را پیچیده می‌کند، می‌توان به این دو مورد اشاره کرد: شخصیت‌های ساعدی در رفتار و خلیات‌شان پابرجا و ثابت‌قدم‌اند، اما به شدت تحت تأثیر عوامل بیرونی هستند. این شخصیت‌ها اگرچه تغییر می‌کنند و متحول می‌شوند اما این تغییر و دگرگونی‌ها بدون علت نیست و می‌توان آن‌ها را ریشه‌یابی کرد و برای آن‌ها دلیل آورد. و اغلب شخصیت‌های ساعدی، برای آن‌چه انجام می‌دهند، انگیزه‌ی معقول و قانع‌کننده‌ای، ندارند. از ویژگی‌های مهم دیگری که می‌توان در داستان‌های ساعدی به آن اشاره کرد، وجود شخصیت‌هایی با سرنوشت یکسان و مشابه است. و تأثیر مهمی که عوامل بیرونی مانند محیط زندگی و جغرافیا بر شخصیت‌ها دارند. شخصیت‌های ساعدی دارای خصوصیات هم‌چون جنون و دیوانگی، بیگانگی و بی‌مهری، تنهایی، ترس و سلطه‌پذیری، خرافاتی و عامی و... هستند. این شخصیت‌ها قادر به درک چگونگی درد و رنج خود نیستند، به همین دلیل تلاشی برای از بین بردن این درد و رسیدن به شرایط بهتر نمی‌کنند. تنها در بعضی داستان‌ها مانند «عافیتگاه» و «من و کچل و کیکاووس»، «رمان‌های «توپ»، «غریبه در شهر»، «تاتار خندان» است، که

شخصیت‌ها برای تغییر اوضاع و بهبود شرایط موجود مبارزه می‌کنند و نقاط روشنی در بعضی شخصیت‌ها وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: داستان، عناصر داستان، شخصیت و شخصیت‌پردازی، غلامحسین ساعدی

## فهرست مطالب

فصل اول : طرح پژوهشی .....	۱
۱-۱- مقدمه .....	۱
۲-۱- بیان مسأله .....	۳
۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش .....	۳
۴-۱- فرضیات پژوهش .....	۴
۵-۱- اهداف پژوهش .....	۴
فصل دوم : کلیات پژوهشی .....	۴
۱-۲- مقدمه .....	۵
۲-۲- انواع ادبیات .....	۵
۳-۲- ادبیات داستانی داستانی .....	۶
۴-۲- داستان کوتاه و رمان .....	۷
۲-۴-۱- داستان کوتاه و انواع آن .....	۷
۲-۴-۲- رمان و انواع آن .....	۹
۵-۲- عناصر داستان .....	۱۱
۶-۲- شخصیت .....	۱۲
۷-۲- نظریه‌های شخصیت .....	۱۴
۸-۲- اهمیت شخصیت .....	۱۴
۹-۲- انواع شخصیت .....	۱۵
۱۰-۲- شخصیت پردازی .....	۱۸
۱۱-۲- شیوه‌های شخصیت پردازی .....	۲۰
۱۲-۲- شخصیت پردازی موفق .....	۲۳
۱۳-۲- عینیت بخشیدن به اشخاص داستان .....	۲۳



۲۴	۱۴-۲- شخصیت واقعی، شخصیت داستانی
۲۴	فصل سوم: تبیین پژوهش
۲۵	۳-۱- روش تحقیق
۲۵	۳-۲- سیر مراحل تحقیق
۲۶	۳-۳- چگونگی به دست آوردن منابع و استفاده از آنها
۲۷	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل پژوهش
۲۷	۱-۴- شخصیت ادبی ساعدی
۳۹	۲-۴- شیوه‌های شخصیت‌پردازی ساعدی
۴۱	۱-۲-۴- ارائه‌ی شخصیت‌ها به روش مستقیم
۴۶	۲-۲-۴- ارائه‌ی شخصیت‌ها به روش غیرمستقیم
۴۷	۱-۲-۲-۴- شخصیت‌پردازی از طریق عمل و گفتار با شرح و تفسیر یا بدون آن
۵۰	۲-۲-۲-۴- شخصیت‌پردازی از طریق گفت‌وگو
۵۲	۳-۲-۲-۴- شخصیت‌پردازی از طریق نام
۵۴	۴-۲-۲-۴- توصیف خصوصیات ظاهری
۵۸	۵-۲-۲-۴- توصیف موقعیت‌ها و اوضاع مکانی
۶۱	۶-۲-۲-۴- ارائه‌ی درون شخصیت‌ها بی تعبیر و تفسیر
۶۵	۳-۴- بررسی انواع شخصیت در داستان‌های ساعدی
۶۸	۱-۳-۴- شخصیت‌های ایستا و پویا
۷۴	۲-۳-۴- شخصیت‌های ساده و جامع
۷۷	۳-۳-۴- شخصیت‌های نوعی و تمثیلی
۷۸	۴-۴- رئالیستی بودن شخصیت‌ها
۸۰	۱-۴-۴- نبودن مظهر کمال در داستان‌ها
۸۰	۲-۴-۴- آراء و عقاید نویسنده در افکار و عواطف شخصیت‌ها
۸۲	۳-۴-۴- رفتن در قالب شخصیت‌ها

- ۸۲-۴-۴-۴ شرح و توصیف دقیق جزئیات.....
- ۸۳-۴-۴-۵ عینی بودن سبک نوشتار.....
- ۸۵-۴-۴-۶ الگو گرفتن از مردم اطراف و استفاده از تجربیات شخصی.....
- ۸۶-۴-۴-۷ استفاده از لغات و عبارات محسوس.....
- ۸۷-۴-۴-۸ تأثیر عوامل بیرونی مانند جغرافیا و محیط اجتماعی.....
- ۸۸-۴-۴-۹ وجود شخصیت‌های سفید، سیاه، خاکستری.....
- ۸۹-۴-۵-۵ خصوصیات رفتاری شخصیت‌های ساعدی.....
- ۹۲-۴-۵-۱ جنون (استحاله‌ی روانی، استحاله‌ی جسمی).....
- ۱۰۲-۴-۵-۲ درماندگی.....
- ۱۰۳-۴-۵-۳ بیماری.....
- ۱۰۶-۴-۵-۴ درد و رنج.....
- ۱۰۶-۴-۵-۵ آشفتگی و پریشانی.....
- ۱۰۷-۴-۵-۶ بیگانگی و بی‌مهری.....
- ۱۱۱-۴-۵-۷ خرافاتی و عامی.....
- ۱۱۲-۴-۵-۸ ترس و سلطه‌پذیری.....
- ۱۱۵-۴-۵-۹ وهم و اضطراب.....
- ۱۱۶-۴-۵-۱۰ عقب ماندگی.....
- ۱۱۷-۴-۵-۱۱ جبر.....
- ۱۱۸-۴-۵-۱۲ تنهایی.....
- ۱۱۹-۴-۵-۱۳ دروغ و خیانت.....
- ۱۲۰-۴-۵-۱۴ تک بعدی.....
- ۱۲۲-۴-۵-۱۵ حیرانی و سرگردانی.....
- ۱۲۲-۴-۵-۱۶ ناکامی.....
- ۱۲۳-۴-۵-۱۷ تلاش برای رسیدن به شرایط بهتر یا برعکس.....

۱۲۳	..... ۱۸-۵-۴ فقر و فلاکت
۱۲۵	..... ۱۹-۵-۴ وجود نقاط روشن در برخی شخصیت‌ها
۱۲۷	..... ۲۰-۵-۴ یأس و ناامیدی
۱۲۷	..... ۲۱-۵-۴ ترس و هراس
۱۲۸	..... ۲۲-۵-۴ پوسیدگی و مرگ
۱۳۲	..... ۲۳-۵-۴ بی‌تفاوتی
۱۳۲	..... ۲۴-۵-۴ درگیری و جدال
۱۳۶	..... فصل پنجم: استنباط و نتیجه‌گیری
۱۴۰	..... پیشنهادات:
۱۴۱	..... فهرست منابع

به نو کردن ماه

بربام شدم

با عشق و سبزه و آینه.

دای سر در آسمان گذشت

که پرواز کبوتر ممنوع است.

صنوبر با به نجوا چیزی گفتند

و کز مگان به میا هو شمشیر در پزندگان نهادند.

ماه

بر نیاید.

احمد شاملو

# فصل اول



طرح پژوهشی

## فصل اول : طرح پژوهشی

### ۱-۱- مقدمه

پس از نهضت مشروطیت در زمینه‌های مختلف از جمله داستان‌نویسی تحولاتی ایجاد شد و این تحول عبارت از به وجود آمدن ادبیات داستانی جدیدی بود که به طور کامل با ادبیات قبل از نهضت مشروطه متفاوت بود. نویسندگان با کتاب‌هایی مثل «سیاحت نامه‌ی ابراهیم بیگ» و «مسالک المحسنین» به این ادبیات جدید روی آوردند. و بر آن شدند که به مسائل اجتماعی و رنج‌های بشری و طبقات محروم جامعه بپردازند. به این شکل کم‌کم تحت تأثیر ترجمه‌ها و ادبیات داستانی غرب، از روش قبل از مشروطیت فاصله گرفتند. و اندک‌اندک با آموختن اصول و فنون داستان‌نویسی، رمان‌هایی هم چون «تهران مخوف» مشفق کاظمی و «مجمع دیوانگان» صنعتی‌زاده و ... به وجود آمد.

در این میان به علت مسائل مختلف توجه بیشتر نویسندگان به داستان کوتاه جلب شد و به نوشتن داستان‌های کوتاه انتقادی و سرگرم کننده پرداختند. از آن به بعد، برای آموزش فنون داستان‌نویسی تلاش بیشتری انجام گرفت. زیرا نویسندگان متوجه بودند که رعایت این اصول به آن‌ها کمک می‌کند تا ابعاد و جزئیات زندگی شخصیت‌های خود را بهتر نشان بدهند. و تأثیر بهتری در ذهن خواننده‌ی اثر خود به جای بگذارند.

امروزه نیز ضرورت آموزش این فنون بر همگان آشکار است. چرا که آشنا نبودن با اصول داستان‌نویسی راه را بر آثار مبتذل باز می‌کند و آثار اصیل را به کناری می‌راند.

عناصری که در ساختن داستان نقش بنیادی دارند، طرح، شخصیت پردازی، زاویه‌ی دید، فضا، زمان و مکان و ... همه در جای خود اهمیت دارند. و نقص یکی از آن‌ها، سبب نقص ساختاری داستان می‌شود. از این رو داستان‌نویسان موفق و باتجربه می‌کوشند در کار خود، این عناصر را به خوبی به کار ببرند. اما هیچ کس نیست که متوجه این واقعیت نشود که داستان‌نویس در پرداخت داستان خود تا چه حد به مسأله‌ی شخصیت تأکید می‌ورزد، پس آیا شخصیت مهم‌ترین عنصر داستان نیست؟ «اشخاصی که سرنشینان عالم داستان را تشکیل می‌دهند همگی موجوداتی انتزاعی و نامتعارفند و این سبب می‌شود که آدمی چون بخواهد کل

مسأله‌ی شخصیت‌پردازی را مورد بررسی قرار دهد، با هزاران شک و شبهه رویارو گردد.» (آلوت، ۱۳۶۸: ۴۵۴).

در اصل برای ترسیم و ارائه‌ی شخصیت است که قالب داستان را پی افکنده‌اند، چرا که هیچ قالبی برای طرح شخصیت مانند داستان پر مایه و انعطاف پذیرنده نیست.

نویسنده با پرداخت درست شخصیت‌های خود می‌تواند یک دنیای واقعی و محسوس را در برابر چشم خواننده‌ی خود بگذارد، تا خواننده با آن شخصیت‌ها هم چون اشخاص دنیای واقعی ارتباط برقرار کند. غلامحسین ساعدی از جمله نویسندگان صاحب سبکی است که به خوبی از عهده‌ی این مهم برآمده است. «داستان‌های کوتاه ساعدی، آینه‌ی تمام‌نمای جامعه‌ای عقب‌مانده و گنبدیده است با آدم‌های توسری خورده و ذلیل و درمانده و ساقط و بیچاره‌ای که غرق در ابتدای‌ترین نیازهای جسمی و روحی و روانی خویشند و گرفتار سرنوشتی مختوم و تغییرناپذیر و شوم.» (میرصادقی، ۱۳۸۱: ۱۴).

ساعدی توانایی منحصر بفردی در شخصیت‌پردازی دارد. این ویژگی است که سبک خاص او را به وجود می‌آورد. بنابراین بررسی عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در آثار او اهمیت بسزایی دارد، که در این رساله به این مهم پرداخته شده است.

در مورد شخصیت‌پردازی، در کتاب «عناصر داستان» از جمال میرصادقی تا حدودی بحث شده و شیوه‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است، به علاوه در کتاب «هنر داستان‌نویسی» ابراهیم یونسی، نیز می‌توان مطالبی در مورد شخصیت‌پردازی یافت و نیز کتاب «شخصیت و شخصیت‌پردازی» حمید عبداللهیان و «قصه نویسی» رضا براهنی و چند کتاب محدود دیگر.

## ۱-۲- بیان مسأله

عنصر شخصیت از عناصر داستانی است که در آثار ساعدی نقش بسزا و پر اهمیتی دارد. غلامحسین ساعدی یکی از خلاق‌ترین نویسندگان معاصر است. دانش و آگاهی وی هم در زمینه‌ی فرهنگ و آداب و رسوم بومی ایرانی و هم در زمینه‌ی روان‌شناسی است و همین امر منجر شده تا وی در پرورش و خلق شخصیت‌های داستان‌های خود بسیار خلاق و متفاوت عمل کند.

اولین نشانه‌ی توفیق نویسنده در آفرینش شخصیت‌های زنده آن است که خود او، شخصیت‌هایش را زنده حس کند، و این امر منوط به تحقق دو شرط است، «باید بتواند در جسم یک به یک شخصیت‌هایش حلول کند، و باید بتواند در کار آفرینش آنان بی طرفی پیشه کند.» (ایرانی، ۱۳۸۰: ۴۷۶).

ساعدی با رعایت این اصول، شخصیت‌های زنده‌ای آفریده است، ذهن خلاق و منحصر بفرد او در شخصیت‌پردازی باعث شده تا شخصیت‌های وی بسیار مورد توجه نویسندگان، منتقدان و حتی فیلم‌سازان قرار بگیرد. لذا بررسی شخصیت‌ها، طبقه‌ی اجتماعی، ویژگی‌های روحی آنان در آثار ساعدی بسیار پر اهمیت و ضروری است.

## ۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

سیر پیشرفت ساعدی در داستان‌نویسی، موضوعی قابل توجه است. از آن جا که ساعدی نویسنده‌ای صاحب سبک است و شیوه‌های داستان‌پردازی و نگارش وی مورد تقلید و توجه بسیاری از نویسندگان قرار گرفته است و با توجه به این که شخصیت داستان‌های او بسیار برجسته و منحصر بفرد می باشند. (به طوری که در داستان‌های او حول همین شخصیت‌های خاص و متفاوت می‌گردد و می‌توان گفت که عنصر شخصیت، مهم‌ترین عنصر داستان‌پردازی اوست). لذا بررسی عنصر شخصیت در داستان‌های وی در خور مطالعه دقیق و جدی است. لازم به ذکر است بر اساس بررسی به عمل آورده، در میان کارهای انجام شده در زمینه‌ی آثار ساعدی اعم از در رساله و مقاله جای چنین تحقیق و پژوهشی خالی به نظر می‌رسد.



#### ۱-۴- فرضیات پژوهش

این رساله بر اساس فرضیاتی پیش می‌رود که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ۱- آیا در بین داستان‌های ساعدی شخصیت‌هایی یافت می‌شود که وجوه مشترک داشته و شبیه به هم باشند؟
  - ۲- آیا عوامل بیرونی مانند جامعه و محیط جغرافیایی تأثیری بر شخصیت‌پردازی ساعدی داشته‌اند؟
  - ۳- بسامد شخصیت‌های سفید، سیاه، خاکستری در این داستان‌ها به چه میزان است؟
  - ۴- آیا شخصیت‌های ساعدی دچار درماندگی و تزلزل روحی و روانی هستند؟
- علاوه بر این، انواع شخصیت در داستان‌های ساعدی و سبک و ویژگی‌های خاص وی در شخصیت‌پردازی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱-۵- اهداف پژوهش

هدف این پایان‌نامه تحلیل و بررسی عنصر شخصیت و چگونگی شخصیت‌پردازی در آثار داستانی غلامحسین ساعدی است.

#### ۱-۶- روش پژوهش

شیوه‌ی گردآوری اطلاعات این پایان‌نامه کتابخانه‌ای است و به روش توصیفی - تحلیلی عمل شده است.

# فصل دوم

کلیات پژوهشی

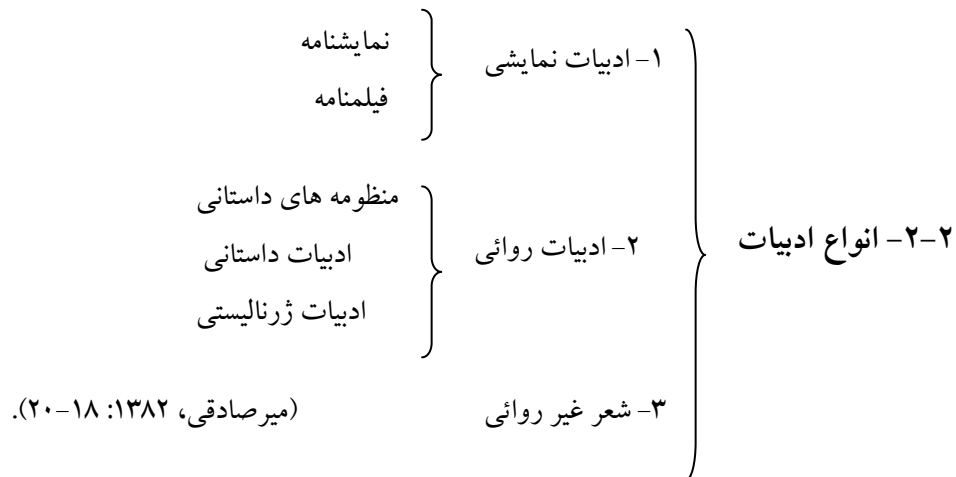
## فصل دوم : کلیات پژوهشی

### ۲-۱- مقدمه

به طور عام دانش‌های مربوط به ادب را ادبیات می‌نامند. و به طور خاص به هر اثر شکوهمند و بدیعی که در آن عامل تخیل دخیل باشد و در عین حال با دنیای واقعی ارتباط داشته باشد، ادبیات می‌گویند. ارسطو در کتاب فن شعر، ادبیات را با عامل تخیل از سایر دانش‌ها جدا می‌کند، یعنی معتقد است هر اثر ادبی که در آن تخیل دخیل باشد ادبیات است. و در حقیقت این عامل تخیل است که بین ادبیات و تاریخ تمایز قائل می‌شود.

پس ادبیات شامل هر نوع انشاء به نثر یا نظم است که عامل تخیل در آن دخیل است و هدفش ابلاغ حقایق نیست بلکه بیان داستان مخیل است.

این بیان یا ابداعی است یا از طریق ذوق و قریحه جانی تازه به کالبد آن دمیده می‌شود. و از این طریق است که ادبیات انواعی پیدا می‌کند. که در این فصل به آن اشاره شده و تعاریفی از هر کدام ارائه می‌شود و تفاوت‌های هر نوع با نوع دیگر بیان می‌شود.



آنچه مورد توجه و نظر این رساله است و لازم است به آن پرداخته شود ادبیات داستانی است. « ادبیات داستانی، این اصطلاح کلاً به آن دسته از آثار روایتی منشور اطلاق می‌شود که جنبه‌ی خلاقه‌ی آن‌ها بر واقعیت غلبه دارد و شامل قصه، داستان کوتاه، داستان بلند، رمان و رمان کوتاه می‌شود.» (داد، ۱۳۷۸: ۲۲).

